

در موعب دانشمندان قرآن *

دانشمند بزرگوار ، ابو حامد بن ابی الحدید ، روایت کرده است که مرد عالم فاضل زاهدی از همنشینی با مردمان دامن فرو می چید و پیوسته گوشه گیر بود و به خواندن کتاب یا تلاوت قرآن روزگاری گذاشت. پرسنده ای از او پرسید : «فلانی ، چگونه با تنهایی بردباری می کنی؟». گفت : هرگز چنین نیست ، بلکه همنشین خدای خویشم ؛ اگر خواسته باشم که او با من مناجات کند ، قرآن می خوانم ، و اگر بخواهم من با او مناجات کنم ، به نماز می ایستم .

و معنی مناجات میان دو نفر آن است که سخن هر یک را تنها دیگری بشنود و شخص سومی در سخن گفتن یا شنیدن با ایشان نباشد و این کیفیت منزلت والایی است که اهل آن را به خواندن قرآن و اندیشیدن در آن حریص می سازد ، تا از این راه به پروردگارش راه یابند .

و بدین گونه بود که پیشینیان پاکیزه سرشت ما قرآن را تلاوت می کردند و به تدبیر در آن می پرداختند . هر چه بیشتر به قرآن رو می آوردند ، بیشتر به فهم آن توفیق می یافتند و بهتر می توانستند در قضایایی که به امور دنیا یا آخرت مربوط می شد به آیه ای از آیات شریف آن استشهاد کنند .

از یکی از این چنین کسان پرسیدند که آیا در قرآن این مضمون هست که « الجارثم الدار = اول همسایه و سپس خانه ؟ » و او در جواب گفت : « آری ! خدای متعال در سوره تحریم گفته است : « و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأة فرعون : انذال رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة = و خدا برای کسانی که ایمان آورده اند ، زن فرعون را مثل زد ، آنگاه که گفت : پروردگارا ، برای من در پیش خودخانه ای در بهشت بنا کن » و تو می بینی که در اینجا همسایه مقدم شمرده شده و « عندک = نزد و کنار خودت » پیش از « بیت = خانه » آمده است .

و از مردمان مورد اعتماد روایت شده است که : زنی شش ماه پس از رفتن به

* - ترجمه از مجله العربی (کویت) نوشته شیخ احمد حسن باقوری

خانه شوهر فرزند آورد، و شوهر که در شك افتاده بود به اولیای امور مراجعه کرد تا حد خدایی را که خیال می کرد در چنین حالانی باید اجرا شود، در باره همسر او مجرا دارند. امیر شوهر را فرا خواند، و او در اندیشه آن بود که حد خدایی در باره همسرش جاری و لکنه ننگ از دامان او پاك شود؛ ولی امیر با دور-اندیشی حاکم راستین و وقار مرد فقیه او را مخاطب قرار داد و گفت: «از چه رو نسبت به تقوای زن خود مشکوکی؟» او در جواب گفت که شما هفت فرزند آوردی است، چنین چیزی مألوف نیست و در پیرامون آن شبهه های فراوان پیدا شده است، و من خواستارم که حد خدایی در باره او اجرا شود». امیر فقیه گفت: «ولی خدای تعالی از آن زن حمایت می کند و ترا از روا داشتن این ستم در حق وی باز می دارد، چه او تبارك و تعالی گفته است: حملته امه کرها و وضعته کرها، و حمله و فصاله ثلاثون شهراً مادرش به ناخشنودی بار او را برداشت و به ناخشنودی این بار بر زمین نهاد، و بار برداشتن و از شیر گرفتن سی ماه کشید». در این آیه مکی دو مدت بارداری و شیردهی روی هم رفته سی ماه معین شده است، و پس از آن در آیه سوره بقره که مدنی است تفصیل این اجمال آمده و مدت کامل شیردان بیست و چهار ماه معین شده است: «و الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم- الرضاة = و مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر می دهند، آن کسان که بخواهند شیر دادن را تمام کنند»؛ و سپس گفت: «اگر بیست و چهار ماه را از سی ماه که مدت بارداری و شیر دادن با هم هست بکاهی، شش ماه باقی می ماند و این همان مدت است که همسر تو بعد از آن بار خود را بر زمین نهاده؛ پس گناهی بر او نیست و بچه بچه تو و زن زن تو است». با این علم و فقه قرآن عظم زن و خانواده اش و هر کس به او بستگی داشت خلاص شدند، و شوهر به زندگی خانوادگی دور از وسوسه های شیطانی و بدگمانی آرام یافت.

و از این گونه است جوابی که حسن به فضل به پرسنده ای داد که از او پرسیده بود: «آیا در کتاب خدا هست که روزی حلال به اندازه و کفاف و روزی حرام به

کزاف می‌رسد؟» حسن در جواب گفت: «آری، و آن گفته‌ی خدای تعالی است که: و اسألهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر، اذ يعدون في السبت، اذ تأتيتهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً، و يوم لا يستنون لآتائيتهم = و از ایشان پیرس در باره‌ی شهری که بر کنار دریا بود، در آن هنگام که در روز شنبه تجاوز [از حدود خدا] روا می‌داشتند، که ماهی‌ها در روز شنبه ایشان بر روی آب می‌آمدند و روزی که جز شنبه بود نمی‌آمدند».

از این آیه شریفه چنان برمی‌آید که پیشینیان از بنی اسرائیل در روزهای شنبه می‌دیدند که ماهی در دریا فراوان است و بر روی آب دیده می‌شود و صید کردن آن آسان است، و چون صید در روز شنبه را خدا بر ایشان حرام کرده بود، به حیل‌های شرعی متوسل می‌شدند و صید می‌کردند. اما در روزهای جز شنبه ماهی کمیاب و صید دشوار بود. و این است معنی اینکه روزی حلال به کفاف است و روزی حرام به کزاف.

و صورت دیگری از فواید آگاهی بر قرآن از حکایتی که هم اکنون نقل می‌کنم آشکار می‌شود: یکی از خلفای ستمگر عباسی می‌خواست این فضیلت را از فرزندان فاطمه زهرا (ع) سلب کند که از ذریه پیغمبر خدا هستند، و به همین جهت دانشمندی را که به این خاندان مهر می‌ورزید فرا خواند و به او گفت: «از تو می‌خواهم که آیه‌ای از قرآن به من بنمایی که بنا بر آن معلوم شود که فرزندان فاطمه ذریه رسول الله (ص) هستند» و خلیفه را گمان چنان بود که آن دانشمند با اخلاس در عقیده را با این گفته خود گرفتار و شرمسار خواهد کرد. عالم او را گفت: «چنین آیه‌ای در سوره انعام است، آنجا که خدای متعال می‌گوید: و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون، و كذلك نجزي المحسنين. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، کل من الصالحین = و از نژاد او [ابراهیم] داوود است و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون، و بدین سان نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، همه از شایستگان» و در نزد مسلمانان این مطلب آشکار است که عیسی پدر نداشته و مادرش مریم از سلاله

ابراهیم بوده است، و با این همه قرآن عیسی را، نظر به مادرش، از ذریهٔ ابراهیم شمرده است. با این منطق قرآنی، آن عالم دوستدار خاندان فاطمه ثابت کرد که حسن و حسین (ع) ذریهٔ پیغمبرند و راه را بر آن خلیفهٔ ستمگر بست و حق و اهل حق بر گردنکشان پیروز شدند.

و از همین قبیل است آنچه دانشمند مصری، کمال‌الدین دمیری چنین روایت کرده است: مردی با همسر خود شوخی می‌کرد و به او گفت که تو از ماه زیباتری؛ زنش که می‌پنداشت شوهر از راه طنز و به استهزا او را چنین خوانده است بر او خشمگین شد و آن مرد برای آنکه همسر خود را به جدی بودن سخن مطمئن کند و از خشم او جلو گیرد، بدو گفت: «اگر تو زیباتر از ماه نباشی من زن طلاق باشم» و می‌خواست با این سخن زن را خاطر جمع کند که آنچه گفته از روی ریشخند نبوده است؛ ولی این گفته کار را بدتر کرد و خشم زن را افزوتر ساخت. زن که به حکم دقت احساس وحدت عاطفه بیش از مرد در بند این بود، و بالخاصه در این مورد که به پیوند او با همسرش ارتباط داشت چنین بود، ناچار شوهر را با خود نزد دانشمندی قرآنی برد تا در بارهٔ مصیبتی که نزدیک بود بر سرش نازل شود از او چاره جویی کند و آرامش خاطر پیدا کند که با گفتهٔ شوهر مستحق طلاق نخواهد بود. آن فقیه زن خواستار نگاهداری دین خود را مخاطب ساخت و گفت که شوهر در آنچه گفته صادق است و سوگند درست خورده است و گواه بر این است گفته خدای تعالی: «والتین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین، لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» = سوگند به تین و زیتون و طور سینا و این شهر ایمن که انسان را در نیکوترین آرایش آفریدیم؛ پس زیباتر از ماه بودن تو به این آیات ثابت می‌شود چه خدا تا این همه سوگند معلوم کرده است که آدمی را به بهترین صورت آفریده است، و تو که از جنس بشری، بنا بر حکم این نقل قرآنی از همهٔ آفریده‌های خدا، و از جمله ماه، زیباتری، با سوگند شوهرت هیچ بیمی از طلاق در میان نیست. پیشینیان ما بدین گونه از قرآن سود می‌جستند و در کار دین و دنیا از آن بهره‌مند می‌شدند.